

مقایسه نظام ارزشی حاکم بر دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه و مادران آن‌ها در شهرستان بوکان

انور کریمیان^۱
نوروز هاشم‌زهی^۲
مجید کاشانی^۳

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱

چکیده

در این پژوهش نظام ارزشی حاکم بر دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه و مادران آن‌ها در شهرستان بوکان مورد سنجش و مقایسه قرار گرفته است. روش اصلی تحقیق پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه بود. دو نمونه ۱۸۰ نفر از دانش‌آموزان و ۱۸۰ نفر از مادران آن‌ها با روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک چند مرحله‌ای انتخاب شدند. اعتبار صوری پرسشنامه با قضاوت متخصصان و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ تایید شد. نتایج نشان می‌دهد که بین دو گروه دانش‌آموزان دختر و مادران آن‌ها در ارزش‌های مادی و فرامادی، ارزش‌های مربوط به تحصیلات و علم و خانواده تفاوت وجود ندارد. لیکن بین دو گروه در ارزش‌های جمع‌گرایی و فردگرایی و دینی و سنتی تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی گرایش به فردگرایی و گریز از ارزش‌های دینی و سنتی در بین دختران دانش‌آموز قوی‌تر می‌باشد. در حالی که بین دانش‌آموزان دختر و مادران آن‌ها در حوزه ارزش‌های مدرن، تعامل و اشتراک وجود دارد، نتایج در حوزه ارزش‌های سنتی گسست را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: ارزش‌های مدرن، ارزش‌های سنتی، نسل، نظام ارزشی، شهرستان بوکان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

no_hashemzahi@yahoo.com

۳- گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

در فرآیند تغییر ارزشی و انتقال ارزش‌های جدید به فرد، بی‌تردید نسل جوان جامعه بیش‌تر تأثیر می‌پذیرد و آسیب‌پذیری بیش‌تری دارد؛ زیرا این نسل از یک‌سو به مقتضیات سنی خود دارای طبعی نوجوان و در پی کسب هویتی نو و استقلال‌شخصیتی است و پیوند کم‌تری با منابع نظام باورها و رفتارهای اجتماعی دارد. در مقابل، بزرگسالانی قرار دارند که حلقه‌های ارتباطی آنان با گذشته، فرهنگ، نهادهای سنتی و شیوه‌های سنتی انجام امور، قوی‌تر و تنگ‌تر است.

در انقلاب ارتباطات، سلطه سنت در شکل دادن به نظام ارزشی جامعه تضعیف شده و امکان بازتولید نظام ارزشی به حداقل رسیده است. در این دوران نسل‌های جدید در نوع ارزش‌های زندگی خود قدرت انتخاب بیش‌تری دارند. جوانان به دلیل اقتضای سنی خود در پی تغییرات هستند و اعتقاد و عمل به ارزش‌های سنتی را غیر قابل قبول می‌شمارند. به دلیل انفجار اطلاعات دیگر تنها خانواده و نظام ارزشی سنتی منبع ایجاد فصل مشترک بین دانش‌آموزان و مادرانشان نیست.

شایع‌ترین دوره تعارض در روابط والدین و فرزندان، زمانی است که فرزندان کودکی را پشت سر گذاشته و به دوره نوجوانی وارد شده‌اند. چرا که نوجوانی دوره‌ای است که در آن تغییرات بیولوژیکی، شناختی، روانی و اجتماعی به وجود می‌آید و این تغییرات، زمینه بروز مشکلات و اختلافات در خانواده‌ها را ایجاد می‌کند (حسین خانی، ۱۳۸۵). تعارض می‌تواند پیوند ارتباطی نوجوان و والدین را از بین ببرد و تبعات منفی فردی نیز برای آن‌ها داشته باشد. تا آنجا که از پیامدهای منفی تعارض والد-فرزند می‌توان به خشونت، نزاع‌های خانوادگی، فرار از خانه، اعتیاد، افسردگی، اضطراب و نظایر آن اشاره کرد. بیش‌تر تعارض‌هایی که در خانواده بین نوجوانان و والدین به وجود می‌آید، ناشی از مهارت‌های ناکافی در امر مذاکره و گفتگو بین اعضای خانواده، عدم توافق بر سر قواعد و مسئولیت‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های ضعیف در حل مساله، مهارت‌های ارتباطی ضعیف، دریافت‌های شناختی تحریف شده، ضعف در توانایی درک دیدگاه دیگران، عدم مهارت کافی در کنترل خشم و ضعف در مهارت‌های تصمیم‌گیری است (عبداله زاده، ۱۳۹۵: ۵۴).

نظام ارزشی^۱ در واقع مفاهیمی هستند که معنادهنده زندگی آدمیان می‌باشند و از بسیاری جهات دیگر نیز بر نوع و نحوه زندگی انسان‌ها در جوامع مختلف، تأثیر مثبت می‌گذارند از جمله این تأثیرات می‌توان به نقش ارزنده ارزش‌ها در انسجام^۲ و همبستگی اجتماعی، پویایی و پیوستگی فرهنگ‌ها نام برد و از همه مهم‌تر اینکه عامل وحدت روانی افراد در یک جامعه، ارزش‌های آن جامعه هستند. به گفته ژرژ گورویچ در پشت همه انواع رفتارها و گرایش‌های جمعی و فردی انسان‌ها نوعی از ارزش‌ها نهفته است (جانعلیزاده و سلیمانی بشلی: ۱۳۹۰، ۶۴).

1- Value System
2- Solidarity

مقایسه نظام ارزشی حاکم بر دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه و مادران آنها در . . .

تفاوت در نظام ارزشی مادران و دختران جوانشان، که به نوعی شکاف نسلی را آشکار می‌سازد، مسأله مشترک جهان معاصر بویژه جوامعی مانند کشور ما ایران است که به سرعت تحول می‌یابد. از مظاهر مهم این شکاف، تغییر موقعیت اجتماعی^۱ نسل جوان معاصر به شکلی بی‌سابقه است. از وجوه مهم تغییر موقعیت نسل‌های جوان معاصر می‌توان کاهش روز افزون تأثیر سنت، میراث و اقتدار جامعه بزرگسالی بر نسل‌های جوان‌تر در افزایش آگاهی، مهارت و توانایی نسل جدید در مواجهه با زندگی و جهان جدید در مقابل ناتوانی و نداشتن مهارت نسل‌های سالمند و ناکارآمدی نهادهای سنتی نظیر خانواده، نظام آموزشی و نهادهای فرهنگی دیگر در انطباق خود با تحولات پرشتاب و پیچیده‌ی عصر جدید را نام برد (توکل و قاضی نژاد، ۱۳۸۵: ۹۶-۹۲).

شکاف^۲ و بطور کلی اختلاف نسلی یکی از مصادیق گذار از صورت سنتی به شکل مدرن است. باور اصلی در این خصوص آن است که فرهنگ نوین جامعه در تعارض با فرهنگ غالب بزرگان جامعه قرار گرفته و یا با آن فاصله‌ای قابل تأمل می‌یابد. معمولاً جوامع در حال گذار و یا جوامعی که با تحولات سریع اجتماعی و انقلابات سیاسی- اجتماعی مواجه می‌شوند، بیش‌تر مستعد پدیداری شکاف در میان نسل‌های خود می‌گردند و این قاعده‌ی عام در مورد کشور ایران که مصداق بارزی از یک جامعه‌ی در حال عبور از مظاهر سنت به اشکال مدرن است و در این گذار تاریخی با حوادث و مسائل گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی روبرو بوده و هست، مشهودتر به نظر می‌رسد. اما با وجود آنکه تغییرات اساسی در خصایص اجتماعی- اقتصادی نسل جوان این کشور میان نسل امروز و نسل تغییر بزرگ اجتماعی یعنی انقلاب و واقعه تأثیر گذار جنگ، تفاوت‌های اساسی و جدی ایجاد کرده است، در دهه‌ی اخیر فضای اجتماعی- سیاسی ایران در معرض تحولات بسیار عمیقی قرار گرفته است و یکی از عوامل مؤثر بر این تحولات بار کمی جوانی یا جوانی جمعیت است (لادیه و فولادی، ۱۳۸۳: ۲۹۲ به نقل از آزادپان دلسم، ۱۳۹۱: ۴).

این مطالعه از یک طرف در پی شناخت نظام ارزشی دختران دانش‌آموز بوده و از طرف دیگر رابطه این ارزش‌ها را با نظام ارزشی مادران آنها بررسی می‌نماید. سوالی که قابل طرح است این است که:

آیا ارزش‌های حاکم بر نسل دختران دانش‌آموز در شهرستان بوکان از نوع سنتی^۳ است یا از نوع مدرن^۴؟ و این نظام ارزشی چه تفاوتی با نظام ارزشی مادران آنها دارد؟

اسفندیار و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله بررسی تفاوت‌های سه نسل انقلاب اسلامی نسبت به ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در میان شهروندان تهرانی؛ این نتیجه را بدست آورده‌اند که؛ ارزش‌ها و مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در بین سه نسل دارای تفاوت معنی‌داری است. نسل

-
- 1- Social Situation
 - 2- Gap
 - 3- Traditional
 - 4- Modern

سوم در ارزش های اقتصادی متفاوت از نسل های دوم و اول است. نسل سوم و نسل دوم در ارزش های اجتماعی متفاوت از نسل اول هستند. ارزش های فرهنگی در بین سه نسل دارای تفاوت معنی داری است. رهبر و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله تبیین تفاوت نسلی در جامعه امروز ایران بر پایه ی ارزش های هویتی، به این نتیجه رسیدند که مفاهیمی چون فردیت گرایی، مدرن گرایی، ذهنیت مقایسه گرا، عدم کاربست ابزارهای انتقال ارزشی کارآمد، رفتار فراغتی، لذت خواهی، استقلال طلبی و ناهمخوانی در خانواده از جمله مفاهیم هسته ای هستند که موجب پدید آمدن تفاوت در نگرش و تفسیر نسبت به ارزش ها در دو نسل جوان و بزرگسالان شده اند. چندین اشتراک مفهومی نیز در میان این دو طیف نسلی مشاهده شده که مهم ترین آن مرتبط به مفاهیم عدم رضایت (از وضعیت موجود) و نیز نفوذ رسانه های جمعی، فضای مجازی و شبکه های اجتماعی است.

شیخیانی (۱۳۹۶) در پژوهشی به این نتیجه رسیده است که تفاوت معنی داری بین والدین و فرزندان در میزان استفاده، نوع استفاده، فرهنگ پذیری، هدف استفاده و جذابیت رسانه های دیداری و شنیداری وجود دارد. پژوهش زارع شاه آبادی و طاهر (۱۳۹۲) در مورد مطالعه بین نسلی الگوی مصرف کالاهای فرهنگی در بین دختران و مادران شهر یزد نشان دهنده تفاوت بین مصرف کالاهای فرهنگی در بین دختران و مادران است و دو متغیر نسل و سرمایه فرهنگی تغییراتی از مصرف را تبیین می کند. یافته های محمدپور (۱۳۹۲) مستدل بر ایجاد شکاف نسلی میان «برقراری ارتباط در فضای مجازی» و «محتوای اینترنت» است و رسانه ها بر «فرهنگ پذیری» فرزندان و والدین خانواده های تهرانی تأثیر دارند. اما دوست یابی به عنوان یکی از شقوق استفاده از اینترنت، تأثیری در شکاف میان این دو نسل ندارد. صبوری خسروشاهی (۱۳۹۱) به «بررسی تأثیر رسانه ملی در ایجاد شکاف نسلی» پرداخته و نتیجه گرفته است که به طور کلی شکاف نسلی میان والدین و فرزندان وجود ندارد و نوعی اتفاق نظر میان آنان وجود دارد. در زمینه نماز خواندن، روزه گرفتن و دوستی دختر و پسر، بیشترین اتفاق نظر و در زمینه دیدار اقوام، نحوه گذران اوقات فراغت و خرید وسایل زندگی، کمترین اتفاق نظر وجود داشته است. همچنین فرزندان که تمایل بیشتری به دیدن سریال های خارجی داشته اند شکاف بیشتری میان آنان و والدینشان وجود داشته است.

رویز (۲۰۱۷) نتیجه گرفته است که فن آوری اطلاعات و ارتباطات تأثیر منفی بر روابط خانوادگی دارد. نلیسن (۲۰۱۷) به این نتیجه رسیده است که کودکان تحت تأثیر استفاده از رسانه های دیجیتال، رفتارهای پرخطرانه از خود بروز می دهند و همچنین تعارض و درگیری در بین اعضای خانواده رشد می یابد. شاه (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان «درگیری نوجوان پدر و مادر در عصر رسانه های اجتماعی» گزارش موردی از هند را در رابطه با تضاد بین فرزندان و والدین مورد مطالعه قرار داده است. نتایج بدست آمده حاکی از تأثیرگذاری منفی رسانه های اجتماعی بر خانواده و روابط بین اعضای آن دارد.

موآواد (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان «رابطه بین استفاده از فن آوری و ارتباطات بر روابط اجتماعی والدین و نوجوانان» به این نتایج دست یافت که استفاده از فن آوری و ارتباطات بر روابط اجتماعی والدین

مقایسه نظام ارزشی حاکم بر دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه و مادران آنها در . . .

و نوجوانان تأثیر منفی دارد. موسینگافی (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان «تأثیر فیس‌بوک در رابطه والدین و فرزندان در مورد آفریقا» تأثیر فیس‌بوک را بر رابطه والدین و فرزندان در زیمبابوه مورد مطالعه قرار داده است. نتایج پژوهش نشان داده است استفاده مداوم از فیس‌بوک سبب تضعیف رابطه والدین و فرزندان می‌گردد.

دسته‌بندی و تبیین ارزش‌های نسل‌ها را به کمک نظریه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی می‌توان جستجو کرد. جامعه‌شناسان برای تبیین پدیده شکاف‌نسلی عمدتاً بر عواملی چون تجربه تاریخی^۱ متمایز هر نسل از نسل‌های دیگر و ظهور نسل‌های دارای نظام ارزشی و فکری متفاوت طی جریان توسعه و تحول اجتماعی، ظهور نهادها و شبکه‌های اجتماعی مختلف که فرآیند جامعه‌پذیری نسل جدید را بر عهده دارند و باعث از بین رفتن وحدت ارزشی و جایگزینی کثرت ارزشی می‌شوند، و نیز بر تغییر معیارهای داوری ارزشی در اثر تضاد سنت و مدرنیته تأکید دارند که همگی معطوف به تعیین کنندگی تحولات ساختاری در بروز و گسترش پدیده مذکورند. در مقابل روان‌شناسان بر عوامل خرد تأکید می‌ورزند.

آپورت نظام ارزشی جامعه را در شش دسته تقسیم‌بندی کرده است:

- ۱) ارزش‌های نظری: علاقه‌ی شدید به کشف حقیقت اصلی فرد در زندگی، نظام و قاعده بخشیدن به شناخت و معرفت است.
- ۲) ارزش‌های اقتصادی: تأکید بر ارزش‌های مفید و علمی اقتصادی است.
- ۳) ارزش زیباشناسی (هنری): بیش‌ترین تأکید بر شکل و توازن لذت‌پذیر از هر تجربه و ارزیابی آن برحسب ظرافت تقارن و هم‌نوایی است.
- ۴) ارزش اجتماعی: عشق به مردم، نوع‌دوستی و انسان‌گرایی است.
- ۵) ارزش‌های مذهبی: معطوف به عوالم روحانی، جست‌وجوگری، وحدت در تجربه‌ها و علاقه‌مند به درک هستی به عنوان یک کل متقارن و هم‌نوا است.
- ۶) ارزش‌های سیاسی: علاقه‌مند به قدرت و نفوذ شخصیتی و شهرت که الزاماً محدود به حوزه‌ی سیاست نیست (احدی، ۱۳۸۰).

پایه نظریه شوارتز نظریه روکیچ است (فرامرزی، ۱۳۷۸). از دید روکیچ ارزش‌ها، راهنمای عمل، رفتار و قضاوت هستند. از دید او ارزش‌های ابزاری به شیوه‌های رفتاری اشاره دارند و ارزش‌های غایی بر حالت‌های غایی، که به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم می‌شوند. تأکید عمده‌ی شوارتز در نظریه‌ی خود بر دو بعد محتوا و ساختار ارزش‌هاست.

محتوای ارزش‌ها: شوارتز و بیلیسکی (۱۹۸۷) اعلام کردند که محتوای اولیه‌ی ارزش‌ها، نوعی علاقه‌ی انگیزشی است که آن ارزش در بر دارد. این دو، نوعی سنخ‌شناسی از محتواها و خصوصیات ارزش‌ها را با این استدلال استخراج کردند که ارزش‌ها در شکل اهداف آگاهانه، بیانگر سه نیازمندی جهانی هستند که

1- Historical experience

همه‌ی افراد و جوامع می‌بایستی به آن‌ها پاسخ دهند. این سه نیازمندی جهانی عبارتند از: (۱) نیازهای جسمی و زیستی افراد، (۲) نیاز به تعامل اجتماعی هماهنگ و (۳) نیازهای حیاتی و رفاهی گروه. این نیازها باید به صورت شناختی ارائه شود و در شکل ارزش‌هایی باشند که افراد با توسعه‌ی شناختی و جامعه‌پذیری، بیاموزند که نیازهایشان را هم‌چون اهداف و ارزش‌ها به طور آگاهانه ارائه کنند و از اصطلاحات مشترک برای ارتباط با این ارزش‌ها و اهداف استفاده نمایند. از این نسخه جهانی شوارتز، هفت گونه‌ی ارزشی (در نسخه‌ی اولیه‌ی این نظریه) استخراج شد. (۱) رفاه اجتماعی، (۲) هم‌نوعی محدود کننده، (۳) لذت‌طلبی، (۴) موفقیت، (۵) بلوغ، (۶) استقلال، (۷) امنیت‌گرایی.

ساختار ارزش‌ها: شوارتز نظریه‌های قبل از خود را نقد می‌کرد که گرچه محتوای ارزشی را به صورت تجربی استخراج کرده بودند، اما در مورد برخی از ارزش‌ها که ممکن بود در موقعیت تضادی یا توافقی قرار گرفته باشند قائل ماندند. هم‌چنین دیگران شیوه‌ها و روش‌هایی را که نظام‌های ارزشی را به ساختاری منسجم و مفهومی تبدیل کند پیشنهاد نکردند. تأکید عمده‌ی شوارتز بر مجزا کردن مجموعه‌ای از روابط پویا میان گونه‌های انگیزشی ارزش‌هایی است که به ما امکان می‌دهد تا ارزش‌ها را با یکدیگر و با دیگر متغیرها به شیوه‌ی منسجم مرتبط نماییم. کلیدی که ساختار روابط ارزشی را مشخص می‌کند این فرض است که کنش‌هایی که در پی آن دسته از گونه‌های ارزشی رخ می‌دهند که دارای نتایج اجتماعی، عملی و روان‌شناختی هستند، ممکن است در تضاد یا در توافق با دیگر گونه‌های ارزشی باشند. مثلاً پیروی از ارزش‌های موفقیت ممکن است در تضاد با ارزش‌های خیرخواهی باشد. به طور کلی، تمام الگوهای روابط تضادی و توافقی میان اولویت‌های ارزشی، شرط اصلی ساختار نظام‌های ارزشی هستند (فرامرزی، ۱۳۷۸).

اصلاحات در محتوای ارزش‌ها: در بعد محتوای ارزش‌ها نسخه اولیه نظریه شوارتز اصلاح شد. وی ده نوع ارزش انگیزشی جدید را مطابق با نیازمندی‌های عمومی از شرایط انسانی که در تحقیقات فرهنگی متفاوتی تأیید شده بودند، استخراج نموده و هر نوع را با استفاده از اهداف مرکزی تعریف کرد.

۱- قدرت‌گرایی^۱، ۲- موفقیت^۲، ۳- لذت‌طلبی^۳، ۴- برانگیختگی^۴، ۵- استقلال^۵، ۶- جهان‌گرایی^۶، ۷- خیرخواهی^۷، ۸- سنت‌گرایی^۸، ۹- هم‌نوایی^۹ و ۱۰- امنیت‌گرایی^{۱۰} (فرامرزی، ۱۳۷۸).

- 1- Power
- 2- Achievement
- 3- Hedonism
- 4- Stimulation
- 5- Self-direction
- 6- Universalism
- 7- Benevolence
- 8- Tradition
- 9- Conformity
- 10- Security

مقایسه نظام ارزشی حاکم بر دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه و مادران آنها در . . .

جدول (۱): گونه‌های انگیزشی ارزشها، تعاریف، گونه‌های مثالی و منابع مشتق شده‌ی هر یک

گونه‌ی ارزش	تعریف	گونه‌های مثالی	منابع
قدرت	پایگاه و موقعیت اجتماعی، کنترل و تسلط بر افراد و منابع، اعمال کنترل بر روی افراد و منابع	قدرت اجتماعی، اقتدار، ثروت	کنش متقابل، گروه
موفقیت	توفیق فردی از طریق رقابت مبتنی بر معیارهای اجتماعی. کسب صلاحیت مطابق با استانداردهای اجتماع	موفق، توانا، جاه طلب، ذی نفوذ	کنش متقابل، گروه
لذت‌طلبی	احساس رضایت، کامروایی در زندگی. میل و لذت‌جویی افکار	رضایت و لذت‌بردن از زندگی	ارگانیکستی
برانگیختگی	تحریک‌طلبی، هیجان، نوآوری، مبارزه طلبی در زندگی. تهییج، نوگرایی، مبارزه طلبی	شهامت داشتن، زندگی متنوع، زندگی هیجان‌انگیز	ارگانیکستی
استقلال	تفکر و انتخاب عمل مستقل، خلق کردن، کشف کردن. خود رهنمود دهی	خلاصیت، آزادی، استقلال، کنجکاوی، انتخاب اهداف خود	ارگانیکستی، کنش متقابل
جهان‌گرایی	فهم، قدردانی، تحمل، حمایت از رفاه همه افراد و طبیعت. محافظت و حمایت از بشر و طبیعت	وسعت نظر (broadminded)، خرد، عدالت اجتماعی، برابری، جهانی در صلح: جهانی سرشار از زیبایی، اتحاد با طبیعت، حفظ محیط	گروه، ارگانیکستی
خبرخواهی	تلاش برای حفظ آسایش و رفاه دیگران. حفظ و تقویت رفاه افرادی که فرد در تماس شخصی مستقیم با آنهاست.	مفید، درست‌کار، بخشنده، وفادار، مسئول	ارگانیکستی، گروه، کنش متقابل
ستگرایی	پابندی به آداب و رسوم فرهنگی و مذهبی، احترام، تعهد، پذیرش، آداب و رسوم و اندیشه‌هایی که از فرهنگ یا مذهب سنتی ناشی می‌شود.	خاص، فروتن، پذیرش، قسمت، و سهم خود از زندگی، دینداری، احترام به سنت و اعتدال	گروه
هم‌نوایی	محدودیت اعمال و تمایلات و انگیزه‌هایی که محتمل بر صدمه زدن به دیگران و تهدید از هنجارها و انتظارات اجتماعی است. مهار اعمال و تکانش‌های مطلوب اجتماعی	مودب بودن، مطیع بودن، نظم فردی، احترام به والدین و بزرگترها	کنش متقابل، گروه
امنیترگویی	سلامت و تثبیت وضعیت خود و اجتماع، سلامت، هماهنگی و ثبات جامعه، روابط، خود	امنیت خانواده، امنیت ملی، نظم اجتماعی، نظافت و مبادله منافع	ارگانیکستی، کنش متقابل، گروه

(ماخذ: فرامرزی، ۱۳۷۸)

تئوری دگرگونی ارزشی^۱ اینگلهارت یکی از تئوری‌های مهم جامعه‌شناختی در زمینه دگرگونی ارزش‌ها ارزش‌ها در دوره اخیر می‌باشد. نظریه اینگلهارت تقریباً یک نظریه جامع است که هم به ارزش‌های مادی و هم به ارزش‌های غیرمادی توجه دارد. اینگلهارت نیز با استفاده از مقیاسی که حاوی دوازده ارزش است، تفاوت ارزش‌های مربوط به هر نسل را مورد توجه قرار داده است. بدین ترتیب که از پاسخگو خواسته می‌شود که در هر گروه اولویت‌های اول و دوم را انتخاب نماید. نظریه اینگلهارت در خصوص دگرگونی ارزشی پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت نسل جدید به تدریج به جایجایی بلندمدت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی منجر خواهد شد (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۶: ۶۶-۶۵).

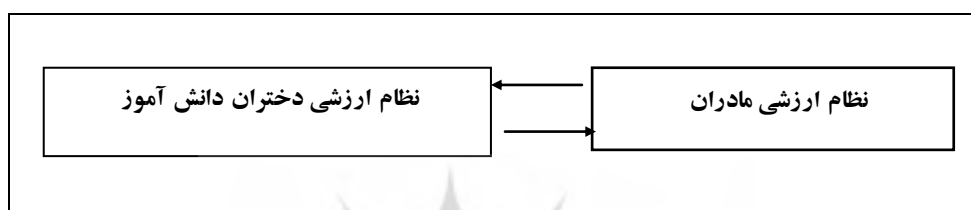
از نگاه رفیع پور (۱۳۷۸) تغییر متفاوت انقلاب اسلامی ایران در مقایسه با انقلاب‌های بزرگ جهان، تغییر نظام ارزشی مسئولان انقلاب و مردم از ارزش‌های مدرن و مادی به ارزش‌های سنتی و غیر مادی تا پایان جنگ تحمیلی بود. رفیع پور ارزش‌ها را به چهار گروه مادی، مذهبی، ملی و غرب‌گرایانه دسته‌بندی نموده است.

کریستوفر بالاس^۲ معتقد است که از برخی جهات می‌توان گفت که یک نسل عبارت است از فاصله میان مادران با فرزندانشان. به نظر او نظریه پردازان فرهنگ عامه و نیز تاریخ نگاران بر این اعتقادند که

1- Theory of Value Transformation

2- Christofer Bollas

هر ده سال شکل جدیدی از ذهنیت نسلی ظهور می‌کند (بالس، ۱۳۸۰: ۶). از نظر بالس ما هر ده سال، از فرهنگ‌ها، ارزش‌ها، پندارها، علایق هنری، دیدگاه‌های سیاسی و قهرمان‌های اجتماعی خود تعریفی جدید ارائه می‌کنیم و این مجموعه عینی و ذهنی هر دهه به عنوان کوچک‌ترین واحد زمانی برای تعیین فرهنگ جمعی می‌تواند به کار رود (همان، ۱۳۸۰: ۷). در این پژوهش با استفاده از نظریه‌های مطرح شده نظام ارزشی دختران دانش‌آموز دوره متوسطه شهرستان بوکان و مادران آن‌ها مورد مقایسه قرار می‌گیرد که مدل کلی و ساده مقایسه به شرح زیر است:



شکل (۱): مقایسه نظام ارزشی دختران دانش‌آموز و مادران

از نظر بالس و اینگلهارت استنباط می‌شود که نظام ارزشی دختران دانش‌آموز متفاوت از نظام ارزشی حاکم بر مادران آن‌ها است. رفیع پور فهرست و جزئیاتی از نظام ارزشی مدرن و نظام ارزشی دینی و مذهبی و سنتی و مادی گرایان معرفی می‌نماید که در این پژوهش به‌طور شاخص‌های ارزش‌های دینی و مادی‌گرایانه را می‌توان از آن فهرست استنباط کرد. همچنین اینگلهارت نیز فهرستی از ارزش‌های مادی و غیر مادی ارائه کرده که در سنجش نظام ارزشی دو نسل مادران و دختران در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد. با ایده گرفتن از دسته‌بندی‌های مختلف شوارتز، روکیچ و آلپورت مولفه‌های مختلف نظام ارزشی جمع‌گرایی و فردگرایی و ارزش‌های مربوط به تحصیلات و علم و خانواده در دو نسل استنباط شده است.

در نهایت بر اساس این چارچوب فرضیه‌های زیر مطرح و مورد آزمون قرار گرفته است:

- (۱) به نظر می‌رسد بین دختران دانش‌آموز و مادران در مورد ارزش‌های مادی و فرامادی تفاوت وجود دارد.
- (۲) به نظر می‌رسد بین دختران دانش‌آموز و مادران در مورد ارزش‌های دینی و سنتی تفاوت وجود دارد.
- (۳) به نظر می‌رسد بین دختران دانش‌آموز و مادران در مورد ارزش‌های مربوط به فردگرایی و جمع‌گرایی تفاوت وجود دارد.
- (۴) به نظر می‌رسد بین دختران دانش‌آموز و مادران در مورد ارزش‌های مربوط به تحصیلات و علم تفاوت وجود دارد.
- (۵) به نظر می‌رسد بین دختران دانش‌آموز و مادران آن‌ها در مورد ارزش‌های مربوط به خانواده تفاوت وجود دارد.
- (۶) به نظر می‌رسد بین دو گروه مادران و دانش‌آموزان دختر در مورد ارزش‌های مدرن تفاوت وجود دارد.

(۷) به نظر می‌رسد بین دو گروه مادران و دانش‌آموزان دختر در مورد ارزش‌های سنتی تفاوت وجود دارد.

روش

این پژوهش یک سنجش کمی پیمایشی از نوع توصیفی و مقایسه‌ای است. از نظر هدف، یک بررسی کاربردی و از نظر زمانی نوعی بررسی مقطعی می‌باشد. در گردآوری داده‌ها، تکنیک پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. جامعه آماری این مطالعه، کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهرستان بوکان که در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ مشغول به تحصیل بودند و مادران آنها می‌باشند. تعداد جامعه آماری بر اساس گزارشات اداره آموزش و پرورش ۴۶۰۰ نفر بودند که نیمی از آن مادران و نیمی دیگر دختران هستند. حجم نمونه‌ی کل براساس جدول مورگان ۱۸۰ نفر محاسبه گردید. برای دختران دانش‌آموز و تمامی مادران نمونه‌آماری پرسشنامه‌ای با سوالات یکسان (غیر از مشخصات جمعیت‌شناختی) ارسال گردید. در مجموع تعداد ۳۶۰ پرسشنامه توزیع شد. برای انتخاب نمونه تحقیق نیز روش نمونه‌گیری احتمالی از نوع تصادفی چند مرحله‌ای استفاده گردید. بدین صورت که ابتدا میان تمام مدارس دخترانه، ۷ مدرسه انتخاب گردید و از هر مدرسه بصورت تصادفی یک کلاس به عنوان نمونه آماری انتخاب شد. روایی پرسشنامه توسط کارشناسان و اساتید و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ بالای ۷۲ درصد تأیید شد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری معرف‌های متغیرها از سوالات و گویه‌های پرسشنامه بهره گرفته شده است، سوالات به صورت بسته طراحی شده است. روش تهیه‌ی سوال‌ها بر اساس چارچوب نظری، پیشینه‌ی تحقیق، تعریف متغیرها و مفاهیم به کار رفته در فرضیه‌ها صورت گرفته است. در طراحی پرسشنامه برای اغلب سوالات از طیف لیکرت استفاده شده است. پرسشنامه شامل ۳۳ سوال مشترک برای دو گروه مادران و دختران دانش‌آموز مربوط به متغیر ملاک می‌باشد و سوالاتی که سن، تحصیلات و شغل (متغیر پیش‌بین) نمونه آماری را مشخص می‌سازد. سوالات در رابطه با نوع آنها در یکی از سطوح اسمی، رتبه‌ای و فاصله‌ای به شرح زیر طرح و مورد سنجش قرار گرفته‌اند:

الف) سنجه‌های مربوط به ارزش‌های ادبی: ۱- پیشرفت مادی، ۲- امکانات رفاهی، ۳- نیروی دفاعی قوی، ۴- مبارزه با افزایش قیمت‌ها، ۵- رابطه مادی.

ب) سنجه‌های مربوط به ارزش‌های فرامادی: ۱- آزادی بیان، افکار و اندیشه، ۲- مشارکت مردم در نظام سیاسی، ۳- تلاش برای داشتن جامعه‌ای انسانی، ۴- مشارکت در تشکل‌های مدنی، ۵- احترام به تفاوت اندیشه‌ها.

ج) سنجه‌های مربوط به ارزش‌های دینی و سنتی: ۱- پابندی و عمل به مسائل دینی، ۲- مشارکت در مراسم و مجالس مذهبی، ۳- حفظ سنت و آداب و رسوم، ۴- انطباق پوشش با فرهنگ یا سلیقه فردی، ۵- خردگرایی به جای تبعیت از دین و سنت.

د) سنجه‌های مربوط به ارزش‌های جمع‌گرایی و فردگرایی: ۱- عضویت در مؤسسات عام المنفعه، ۲- انطباق فرد با جامعه، ۳- اعتماد به دیگران، ۴- فعالیت گروهی، ۵- ترجیح منافع شخصی بر جمع، ۶- تقدم رفع نیازهای فردی، ۷- دخالت دیگران در تصمیمات فردی، ۸- کمک به دیگران.

د) سنج‌های مربوط به ارزش‌های تحصیلات و علم: ۱- اهمیت تحصیلات نسبت به ثروت، ۲- تحصیلات به عنوان مقدمه دارایی، ۳- تأثیر تحصیلات بر کیفیت زندگی، ۴- تأثیر نداشتن تحصیلات در زندگی، ۵- ضرورت داشتن مدرک تحصیلی.

ر) سنج‌های مربوط به ارزش‌های خانواده: ۱- تفکیک جنسیتی فعالیت‌ها، ۲- تساوی حقوق، ۳- خواستگاری زن، ۴- طلاق.

در پژوهش حاضر ده سوال مربوط به نظام ارزش‌های مادی و فرامادی می‌باشد. پنج سوال مربوط به سنجش ارزش‌های مادی و همچنین پنج سوال مربوط به ارزش‌های فرامادی می‌باشد. کسب بالاترین نمره در این قسمت گویای بیش‌ترین گرایش پاسخگو به ارزش‌های مادی و فرامادی می‌باشد و کسب پایین‌ترین نمره در این قسمت گویای کم‌ترین گرایش پاسخگو به ارزش‌های مادی و فرامادی می‌باشد. همچنین شش سوال مربوط به نظام ارزش‌های دینی و سنتی می‌باشد. کسب بالاترین نمره در این قسمت گویای بیش‌ترین گرایش پاسخگو به ارزش‌های دینی و سنتی می‌باشد و کسب پایین‌ترین نمره در این قسمت گویای کم‌ترین گرایش به ارزش‌های دینی و سنتی می‌باشد. نیز هشت سوال مربوط به نظام ارزش‌های جمع‌گرایی و فردگرایی می‌باشد. کسب بالاترین نمره در این قسمت گویای بیش‌ترین گرایش پاسخگو به ارزش‌های فردگرایی می‌باشد و کسب پایین‌ترین نمره در این قسمت گویای کم‌ترین گرایش پاسخگو به ارزش‌های جمع‌گرایی می‌باشد. همچنین پنج سوال مربوط به نظام ارزش‌های تحصیلات و علم می‌باشد. کسب بالاترین نمره در این قسمت گویای بیش‌ترین گرایش پاسخگو به ارزش‌های تحصیلات و علم می‌باشد و کسب پایین‌ترین نمره در این قسمت گویای کم‌ترین گرایش پاسخگو به ارزش‌های تحصیلات و علم می‌باشد. و نیز چهار سوال مربوط به نظام ارزش‌های خانواده می‌باشد. کسب بالاترین نمره در این قسمت گویای بیش‌ترین گرایش پاسخگو به ارزش‌های نابرابری در خانواده می‌باشد و کسب پایین‌ترین نمره در این قسمت گویای کم‌ترین گرایش پاسخگو به ارزش‌های برابری خواهانه می‌باشد. برای مشخص کردن گفتمان مسلط بر نمونه آماری و تعیین مختصات گسست یا تعامل بین دو گروه دانش‌آموزان و مادران آن‌ها در خصوص گفتمان سنتی و مدرن، سوالات پرسشنامه در دو گروه قرار داده شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی؛ جمعیت نمونه‌ی پژوهش حاضر، دانش‌آموزان دختر دوره‌ی متوسطه شهرستان بوکان که از نظر ویژگی‌های سنی بین ۱۵ تا ۱۸ سال قرار دارند و مادران آن‌ها می‌باشند که وضعیت آن‌ها از نظر سن، شغل و تحصیلات به ترتیب زیر می‌باشد:

مقایسه نظام ارزشی حاکم بر دانش آموزان دختر دوره متوسطه و مادران آنها در . . .

جدول (۲): توصیف وضعیت شغلی مادران

شغل	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کارمند	۱	۰/۶	۰/۶
معلم	۳	۱/۷	۲/۳
آزاد	۲	۱/۱	۳/۴
کارگر	۱	۰/۶	۳/۹
خانه دار	۱۷۳	۹۶/۱	۱۰۰/۰
جمع	۱۸۰	۱۰۰/۰	

جدول (۳): توصیف سن مادران

گروه سنی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۴۰ تا ۳۶	۷۷	۴۲/۸	۴۲/۸
۴۵ تا ۴۱	۶۳	۳۵/۰	۷۷/۸
۵۰ تا ۴۶	۲۸	۱۵/۶	۹۳/۳
۵۵ تا ۵۱	۹	۵/۰	۹۸/۳
۶۰ تا ۵۶	۳	۱/۷	۱۰۰/۰
جمع	۱۸۰	۱۰۰/۰	

جدول (۴): توصیف تحصیلات مادران

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
دیپلم و زیر دیپلم	۱۷۴	۹۵/۶	۹۵/۶
فوق دیپلم و لیسانس	۸	۴/۴	۱۰۰
جمع	۱۸۰	۱۰۰	

توصیف داده‌های مربوط به نظام ارزشی؛ در این قسمت با استفاده از آماره‌های توصیفی (میانگین، میانه، نما، انحراف استاندارد، واریانس، کم‌ترین و بیش‌ترین جمع نمرات) داده‌های مربوط به نظام ارزش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول (۵): توصیف نظام ارزشی مادران و دختران دانش آموز در شهرستان بوکان

نظام ارزشی	میانگین	میانه	نما	انحراف استاندارد	واریانس	کم‌ترین	بیش‌ترین
مادی	۱۸/۸۷	۱۹	۱۹	۲/۶۴	۶/۹۹	۸	۲۵
فرامادی	۲۰/۸۵	۲۱	۲۱	۲/۵۵	۶/۵۰	۱۱	۲۵
دینی و سنتی	۱۹/۲۸	۱۹	۲۱	۳/۶۰	۱۲/۹۶	۷	۲۹
جمع‌گرایی و فردگرایی	۲۳/۴۵	۲۴	۲۴	۳/۳۵	۱۱/۲۵	۱۳	۳۵
تحصیلات	۱۹/۱۰	۱۹	۲۱	۲/۶۸	۷/۱۶	۹	۲۵
خانواده	۱۱/۹۲	۱۲	۱۲	۱/۹۷	۳/۸۶	۶	۱۷

جدول فوق توصیف نظام ارزشی مادران و دختران دانش‌آموز در شهرستان بوکان را نشان می‌دهد. میانگین ارزش‌های مربوط به مادی ۱۸/۸۷ و فرامادی ۲۰/۸۵، میانگین ارزش‌های مربوط به دینی و سنتی ۱۹/۲۸، میانگین ارزش‌های مربوط به جمع‌گرایی و فردگرایی ۲۳/۴۵، میانگین ارزش‌های مربوط به تحصیلات و علم ۱۹/۱۰، میانگین ارزش‌های مربوط به خانواده ۱۱/۹۲ می‌باشد.

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هجدهم، شماره هفتم، پاییز ۱۴۰۰

جدول (۶): توصیف نظام ارزشی مادران دانش آموزان در شهرستان بوکان

نظام ارزشی	میانگین	میانه	نما	انحراف استاندارد	واریانس	کم ترین	بیش ترین
مادی	۱۸/۷۲	۱۹	۱۹	۲/۶۱	۶/۸۰	۸	۲۵
فرامادی	۲۰/۹۱	۲۱	۲۱	۲/۵۲	۶/۳۸	۱۲	۲۵
دینی و سنتی	۲۰/۲۷	۲۰	۲۰	۳/۴۸	۱۲/۰۸	۱۲	۲۹
جمع گرایی و فردگرایی	۲۳/۱۰	۲۳	۲۴	۳/۳۰	۱۰/۸۸	۱۶	۳۳
تحصیلات	۱۹/۰۶	۱۹	۱۹	۲/۷۸	۷/۷۴	۹	۲۵
خانواده	۱۲/۰۷	۱۲	۱۲	۲/۰۰	۴/۰۱	۶	۱۷

جدول فوق توصیف نظام ارزشی مادران دختران دانش آموز در شهرستان بوکان را نشان می‌دهد. میانگین ارزش‌های مربوط به مادی ۱۸/۷۲ و فرامادی ۲۰/۹۱، میانگین ارزش‌های مربوط به دینی و سنتی ۲۰/۲۷، میانگین ارزش‌های مربوط به جمع گرایی و فردگرایی ۲۳/۱۰، میانگین ارزش‌های مربوط به تحصیلات و علم ۱۹/۰۶، میانگین ارزش‌های مربوط به خانواده ۱۲/۰۷ می‌باشد.

جدول (۷): توصیف نظام ارزشی دختران دانش آموز در شهرستان بوکان

نظام ارزشی	میانگین	میانه	نما	انحراف استاندارد	واریانس	کم ترین	بیش ترین
مادی	۱۹/۰۳	۱۹	۱۹	۲/۶۸	۷/۱۹	۸	۲۵
فرامادی	۲۰/۸۰	۲۱	۲۱	۲/۵۸	۶/۶۵	۱۱	۲۵
دینی و سنتی	۱۸/۲۹	۱۸	۱۸	۳/۴۵	۱۱/۹۳	۷	۲۶
جمع گرایی و فردگرایی	۲۳/۸۰	۲۴	۲۴	۳/۳۸	۱۱/۴۳	۱۳	۳۵
تحصیلات	۱۹/۱۴	۱۹	۲۱	۲/۵۶	۶/۶۰	۱۱	۲۵
خانواده	۱۱/۷۸	۱۲	۱۳	۱/۹۲	۳/۶۹	۸	۱۷

جدول فوق توصیف نظام ارزشی دانش آموزان دختر را نشان می‌دهد. میانگین ارزش‌های مربوط به مادی ۱۹/۰۳ و فرامادی ۲۰/۸۰، میانگین ارزش‌های مربوط به دینی و سنتی ۱۸/۲۹، میانگین ارزش‌های مربوط به جمع گرایی و فردگرایی ۲۳/۸۰، میانگین ارزش‌های مربوط به تحصیلات و علم ۱۹/۱۴، میانگین ارزش‌های مربوط به خانواده ۱۱/۷۸ می‌باشد.

جدول (۸): توصیف ارزش‌های مدرن و سنتی حاکم بر مادران و دختران دانش آموز

ارزش‌ها	میانگین	میانه	نما	انحراف استاندارد	واریانس	کم ترین	بیش ترین
سنتی	۴۵/۷۱	۴۶	۴۵	۵/۰۰	۲۵/۰۲	۳۱	۶۱
مدرن	۶۷/۷۷	۶۸	۷۲	۵/۲۳	۲۷/۴۰	۵۴	۸۰

جدول فوق توصیف ارزش‌های مدرن و سنتی حاکم بر مادران مادر و دانش آموزان دختر را نشان می‌دهد. میانگین ارزش‌های سنتی حاکم بر گروه مادران مادر و دانش آموزان دختر ۴۵/۷۱ می‌باشد. درحالی که میانگین مربوط به ارزش‌های مدرن دو گروه ۶۷/۷۷ است.

مقایسه نظام ارزشی حاکم بر دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه و مادران آن‌ها در . . .

جدول (۹): توصیف ارزش‌های مدرن و سنتی بر حسب مادران و دختران دانش‌آموز

گروه	ارزش‌ها	میانگین	میانه	نما	انحراف استاندارد	واریانس	کم‌ترین	بیش‌ترین
مادران	سنتی	۴۶/۹۴	۴۷	۴۶	۵/۰۹	۲۵/۹۰	۳۱	۶۱
	مدرن	۶۷/۱۹	۶۷	۶۵	۵/۵۶	۳۰/۹۵	۵۴	۷۹
دختران دانش‌آموز	سنتی	۴۴/۴۹	۴۵	۴۵	۴/۶۱	۲۱/۲۸	۳۳	۵۹
	مدرن	۶۸/۳۶	۶۹	۶۶	۴/۸۳	۲۳/۳۱	۵۵	۸۰

جدول فوق توصیف ارزش‌های مدرن و سنتی حاکم بر مادران و دختران دانش‌آموز را به تفکیک دو گروه نشان می‌دهد. میانگین ارزش‌های سنتی حاکم بر گروه مادران ۴۶/۹۴ می‌باشد. درحالی‌که میانگین مربوط به ارزش‌های مدرن همین گروه ۶۷/۱۹ است. همچنین میانگین ارزش‌های سنتی حاکم بر گروه دانش‌آموزان دختر ۴۴/۴۹ می‌باشد. درحالی‌که میانگین مربوط به ارزش‌های مدرن همین گروه ۶۸/۳۶ است. یعنی گرایش نسل حاضر یعنی دانش‌آموزان دختر به ارزش‌های مدرن بیشتر از مادران شان می‌باشد.

یافته‌های استنباطی؛ این بخش شامل آزمون فرضیات تحقیق، پاسخ به سوالات و اهداف جزئی تحقیق می‌باشد. نتایج آزمون لون مبنی بر تساوی واریانس‌ها در مورد ارزش‌های موجود در همه فرضیه‌ها نشان می‌دهد که بین واریانس دو گروه تفاوت معنادار وجود ندارد و پیش فرض تساوی واریانس‌ها مورد تأیید قرار گرفته است. بنابراین می‌توان برای همه فرضیه‌ها از آزمون‌های پارامتریک استفاده نمود. بنابراین برای مقایسه میانگین دو گروه در همه فرضیه‌ها از آزمون t مستقل استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین دختران دانش‌آموز و مادران در مورد ارزش‌های مادی و فرامادی تفاوت وجود دارد.

جدول (۱۰): نتایج آزمون t مستقل مقایسه دو گروه مادران و دختران دانش‌آموز در مورد ارزش‌های مادی

میانگین دو گروه	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد تفاوت
مادران	۱۸/۷۲	۳۵۸	۰/۲۶۵	۰/۳۱۱۱۱	۰/۲۷۸۷۴
دختران دانش‌آموز	۱۹/۰۳				

نتایج جدول فوق مقایسه‌ی میانگین دو گروه مادران و دختران دانش‌آموز در مورد ارزش‌های مادی، نشان داد که مقدار t برابر با ۱/۱۱۶ است که با درجه آزادی ۳۵۸ در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار نمی‌باشد. بنابراین فرض صفر رد نمی‌شود و مورد تأیید قرار می‌گیرد. به عبارتی می‌توان نتیجه گرفت که در سطح ۰/۰۵ معنی‌داری، بین مادران و دختران در ارزش‌های مادی تفاوت معنادار وجود ندارد.

جدول (۱۱): نتایج آزمون t مستقل مقایسه دو گروه مادران و دختران دانش آموز در مورد ارزش های فرامادی

میانگین دو گروه	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین ها	خطای استاندارد تفاوت
مادران	۰/۴۱۳	۳۵۸	۰/۶۸۰	۰/۱۱۱۱۱	۰/۲۶۸۹۹
دختران دانش آموز					
۲۰/۹۱					
۲۰/۸۰					

نتایج جدول فوق مقایسه‌ی میانگین دو گروه مادران و دختران دانش آموز در مورد ارزش های فرامادی، نشان داد که مقدار t برابر با ۰/۴۱۳ است که با درجه آزادی ۳۵۸ در سطح ۰/۰۵ معنی دار نمی باشد. بنابراین فرض صفر رد نمی شود و مورد تأیید قرار می گیرد. به عبارتی می توان نتیجه گرفت که در سطح ۰/۰۵ معنی داری، بین مادران و فرزندان در ارزش های فرامادی تفاوت معنادار وجود ندارد.

فرضیه دوم: به نظر می رسد بین دانش آموزان دختر و مادران در مورد ارزش های دینی و سنتی تفاوت وجود دارد.

جدول (۱۲): نتایج آزمون t مستقل مقایسه دو گروه مادران و دانش آموزان دختر در مورد ارزش های دینی و سنتی

میانگین دو گروه	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین ها	خطای استاندارد تفاوت
مادران	۵/۴۱۴	۳۵۸	۰/۰۰۱	۱/۹۷۷۷۸	۰/۳۶۵۳۳
دختران دانش آموز					
۲۰/۲۷					
۱۸/۲۹					

نتایج جدول فوق مقایسه‌ی میانگین دو گروه مادران و دختران دانش آموز در مورد ارزش های دینی و سنتی، نشان داد که مقدار t برابر با ۵/۴۱۴ است. با درجه آزادی ۳۵۸ در سطح معنی داری ۰/۰۵ معنی دار می باشد. بنابر این فرض صفر رد می شود و فرض خلاف مورد تأیید قرار می گیرد. به عبارتی می توان نتیجه گرفت که در سطح ۰/۰۵ معنی داری، بین مادران و فرزندان در ارزش های دینی و سنتی تفاوت معنادار وجود دارد.

فرضیه سوم: به نظر می رسد بین دانش آموزان دختر و مادران در مورد ارزش های مربوط به فردگرایی و جمع گرایی تفاوت وجود دارد.

جدول (۱۳): نتایج آزمون t مستقل مقایسه دو گروه مادران و دختران دانش آموز در مورد ارزش های فردگرایی و جمع گرایی

میانگین دو گروه	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین ها	خطای استاندارد تفاوت
مادران	۲/۰۰۴	۳۵۸	۰/۰۴۶	۰/۲۰۵۵۶	۰/۳۵۲۱۰
دختران دانش آموز					
۲۳/۱۰					
۲۳/۸۰					

نتایج جدول فوق مقایسه‌ی میانگین دو گروه مادران و دانش آموزان در مورد ارزش های فردگرایی و جمع گرایی، نشان داد که مقدار t برابر با ۲/۰۰۴ است. با درجه آزادی ۳۵۸ در سطح معنی داری ۰/۰۵ معنی دار می باشد. بنابراین فرض صفر رد می شود و فرض خلاف مورد تأیید قرار می گیرد. به عبارتی

مقایسه نظام ارزشی حاکم بر دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه و مادران آن‌ها در . . .

می‌توان نتیجه گرفت که در سطح $0/05$ معنی‌داری، بین مادران و فرزندان دختر در ارزش‌های فردگرایی و جمع‌گرایی تفاوت معنادار وجود دارد.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین دانش‌آموزان دختر و مادران در مورد ارزش‌های مربوط به تحصیلات و علم تفاوت وجود دارد.

جدول (۱۴): نتایج آزمون t مستقل مقایسه دو گروه مادران و دختران دانش‌آموز در مورد ارزش‌های مربوط به تحصیلات و علم

میانگین دو گروه	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد تفاوت
مادران	۱۹/۰۶	۳۵۸	۰/۷۶۸	۰/۸۳۳۳	۰/۲۸۲۳۵
دختران دانش‌آموز	۱۹/۱۴				

نتایج جدول فوق مقایسه‌ی میانگین دو گروه مادران و دختران دانش‌آموز در مورد ارزش‌های مربوط به تحصیلات و علم، نشان داد که مقدار t برابر با $0/۲۹۵$ است. با درجه آزادی ۳۵۸ در سطح معنی‌داری $0/05$ معنی‌دار نمی‌باشد. بنابر این فرض صفر مورد تأیید قرار می‌گیرد. به عبارتی می‌توان نتیجه گرفت که در سطح $0/05$ معنی‌داری، بین مادران و فرزندان دختر در ارزش‌های مربوط به تحصیلات و علم تفاوت معنادار وجود ندارد.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین دانش‌آموزان دختر و مادران در مورد ارزش‌های مربوط به خانواده تفاوت وجود دارد.

جدول (۱۵): نتایج آزمون t مستقل مقایسه دو گروه مادران و دختران دانش‌آموز در مورد ارزش‌های مربوط به خانواده

میانگین دو گروه	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد تفاوت
مادران	۱۲/۰۷	۳۵۸	۰/۱۵۶	۰/۳۹۴۴۴	۰/۲۰۶۸۹
دختران دانش‌آموز	۱۱/۷۸				

نتایج جدول فوق مقایسه‌ی میانگین دو گروه مادران و دختران دانش‌آموز در مورد ارزش‌های مربوط به خانواده، نشان داد که مقدار t برابر با $۱/۴۲۳$ است. با درجه آزادی ۳۵۸ در سطح معنی‌داری $0/05$ معنی‌دار می‌باشد. بنابر این فرض صفر مورد تأیید قرار می‌گیرد. به عبارتی می‌توان نتیجه گرفت که در سطح $0/05$ معنی‌داری، بین مادران و فرزندان در ارزش‌های مربوط به خانواده تفاوت معنادار وجود ندارد.

فرضیه ششم: به نظر می‌رسد بین دو گروه مادران و دانش‌آموزان دختر در مورد ارزش‌های سنتی تفاوت وجود دارد.

جدول (۱۶): نتایج آزمون t مستقل مقایسه دو گروه مادران و دختران دانش‌آموز در مورد ارزش‌های سنتی

میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد تفاوت
مادران	۴۶/۹۴	۳۵۸	۰/۰۰۱	۲/۴۵۰۰۰	۰/۵۱۱۹۷
دختران دانش‌آموز	۴۴/۴۹				

نتایج جدول فوق مقایسه‌ی میانگین دو گروه مادران و دختران دانش‌آموز در مورد ارزش‌های سنتی، نشان داد که مقدار t برابر با $4/785$ است که با درجه آزادی 358 در سطح معنی‌داری $0/05$ معنی‌دار می‌باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت که در سطح $0/05$ معنی‌داری، بین دو گروه مادران و فرزندان دختر در خصوص ارزش‌های سنتی تفاوت معنادار وجود دارد. یعنی گفتمان حاکم بر ارزش‌های نسل مادران، گفتمان سنتی می‌باشد.

فرضیه هفتم: به نظر می‌رسد بین دو گروه مادران و دانش‌آموزان دختر در مورد ارزش‌های مدرن تفاوت وجود دارد.

جدول (۱۷): نتایج آزمون t مستقل مقایسه دو گروه مادران و دختران دانش‌آموز در مورد ارزش‌های مدرن

میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد تفاوت
مادران ۶۷/۱۹	۲/۱۲۵	۳۵۸	۰/۰۳۴	۱/۱۶۶۷	۰/۵۴۹۰۵
دختران دانش‌آموز ۶۸/۳۶					

نتایج جدول فوق مقایسه‌ی میانگین دو گروه مادران و دختران دانش‌آموز در مورد ارزش‌های مدرن، نشان داد که مقدار t برابر با $2/125$ است که با درجه آزادی 358 در سطح معنی‌داری $0/05$ معنی‌دار نمی‌باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت که در سطح $0/05$ معنی‌داری، بین دو گروه مادران و فرزندان دختر در خصوص ارزش‌های مدرن تفاوت معنادار وجود ندارد. یعنی در حالی که گفتمان حاکم بر ارزش‌های نسل مادران، گفتمان سنتی می‌باشد، هر دو گروه در گفتمان مدرن دارای اشتراک می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

ارزش‌ها به لحاظ جایگاه و موقعیت در سلسله مراتب ساختار فرهنگی، نقش زیربنایی برای سایر ابعاد زیسته افراد ایفا می‌کنند و حلقه اتصال فرهنگ هر قوم و ملتی با نسل آینده هستند و غفلت از این مهم می‌تواند جوامع را با بحران هویت مواجه کند. هدف از این پژوهش مقایسه نظام ارزش‌های دختران با مادرانشان بود. در آزمون فرضیه‌های پژوهش حاضر با استفاده از آمار استنباطی می‌توان نتیجه گرفت که در مورد ارزش‌های مادی و فرامادی، در حالی که میانگین ارزش‌های مادی مادران $18/72$ است، میانگین ارزش‌های فرامادی آن‌ها $20/91$ می‌باشد. میانگین ارزش‌های مادی دختران دانش‌آموز $19/03$ است، میانگین ارزش‌های فرامادی آن‌ها $20/80$ می‌باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت که بین دانش‌آموزان دختر و مادران در مورد ارزش‌های مادی و فرامادی، تفاوت وجود ندارد. بدین معنا که در حالی که هم دانش‌آموزان دختر و هم مادران در گرایش به ارزش‌های مادی گرایش نزدیک به هم را دارند، در خصوص ارزش‌های فرامادی نیز همین نتیجه حاصل شده است. نتیجه اینکه فرضیه مطرح شده مورد تأیید قرار نگرفت.

مقایسه نظام ارزشی حاکم بر دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه و مادران آنها در . . .

رونالد اینگلهارت در نظریه دگرگونی ارزشی برآن است که جایگزینی جمعیت نسل جدید به تدریج به جایجایی بلندمدت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی منجر خواهد شد در حالی که نتایج بدست آمده از پژوهش نشان داد که در جامعه بین هر دو نسل هم ارزش‌های مادی و هم ارزش‌های فرامادی دارای اهمیت تقریباً یکسان می‌باشند. در جواب چرایی این وضعیت می‌توان به وضعیت اقتصادی بیمار اشاره کرد که در برآوردن نیازهای مادی که موجب بقای زیستی افراد است و به قول مزلو در پایین‌ترین مرتبه قرار دارد، هنوز توفیقی حاصل نکرده است. به زعم اینگلهارت و مزلو پیش‌نیاز رسیدن به ارزش‌های فرامادی، گذر از ارزش‌های مادی می‌باشد. در جامعه ما در حال حاضر چنین ظرفیتی وجود ندارد.

در مورد ارزش‌های دینی و سنتی، در حالی که میانگین مادران ۲۰/۲۷ است، میانگین دانش‌آموزان ۱۸/۲۹ می‌باشد. بنابراین بین دانش‌آموزان دختر و مادران در مورد ارزش‌های دینی و سنتی، تفاوت وجود دارد. بدین معنا که گرایش و پایبندی دانش‌آموزان دختر به ارزش‌های دینی و سنتی کم‌تر از مادران آنها می‌باشد. نتیجه اینکه فرضیه مطرح شده مورد تأیید قرار گرفت. نتیجه‌ی این بخش از پژوهش با نظریات رفیع‌پور که گذشت زمان را در سیر ارزش‌ها از معنوی به مادی‌گرایانه سهیم می‌داند همسو می‌باشد.

در مورد ارزش‌های جمع‌گرایی و فردگرایی، درحالی که میانگین مادران ۲۳/۱۰ است، میانگین دختران دانش‌آموز ۲۳/۸۰ می‌باشد. بنابراین بین دانش‌آموزان دختر و مادران در مورد ارزش‌های جمع‌گرایی و فردگرایی، تفاوت وجود دارد. گرایش دانش‌آموزان دختر به ارزش‌های فردگرایانه بیش‌تر از مادران آنها می‌باشد. نتیجه اینکه فرضیه مطرح شده مورد تأیید قرار گرفت. نتیجه‌ی این بخش از پژوهش اگر فردگرایی را از مؤلفه‌های مدرنیته و اقتصادی بدانیم با نظریات کریستوفر بلس و ارمکی (۱۳۸۳) که مسیر روابط نسلی را به سمت شکاف می‌داند، و یافته اسفندیار و همکاران (۱۴۰۰) که ارزش‌های اقتصادی سه نسل در تهران را متفاوت می‌داند، همسویی دارد.

در مورد ارزش‌های مربوط به تحصیلات و علم، در حالی که میانگین مادران ۱۹/۰۶ است، میانگین دختران دانش‌آموز ۱۹/۱۴۱ می‌باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت که بین دانش‌آموزان دختر و مادران در مورد ارزش‌های مربوط به تحصیلات و علم، تفاوت وجود ندارد. نتیجه اینکه فرضیه مطرح شده مورد تأیید قرار نگرفت. نتیجه پژوهش حاکی از این است که تحصیلات و علم برای هر دو نسل مادران و دانش‌آموزان دختر حائز اهمیت می‌باشد. نتایج با یافته‌های صبوری خسروشاهی (۱۳۹۱) هم‌خوانی ندارد.

در مورد ارزش‌های مربوط به خانواده، باید گفت که بین دانش‌آموزان دختر و مادران در مورد ارزش‌های مربوط به خانواده، تفاوت وجود ندارد. میانگین مربوط به مادران ۱۲/۰۷ است و میانگین دختران دانش‌آموز ۱۱/۷۸ می‌باشد. بنابراین گرایش دانش‌آموزان دختر و مادران به ارزش‌های خانواده، با کم‌ترین تفاوت به هم نزدیک می‌باشد. نتیجه اینکه فرضیه مطرح شده مورد تأیید قرار نگرفت. نتیجه‌ی این بخش از پژوهش با تحقیق رهبر و همکاران (۱۳۹۹) که تأکید دارند «ناهمخوانی ارزش‌های خانواده

موجب تفاوت ارزشی دو نسل می‌شود» هم‌خوانی ندارد. زیرا برای هر دو نسل ارزش‌های مربوط به نظام خانواده اهمیت نزدیک به هم دارد.

هم‌چنین، میانگین ارزش‌های سنتی مادران ۴۶/۹۴ است، در حالی که میانگین ارزش‌های سنتی دختران دانش‌آموز ۴۴/۴۹ می‌باشد. بنابر این تفاوت معنی‌دار می‌باشد. میانگین گفتمان مدرن مادران ۶۷/۱۹ است، در حالی که میانگین گفتمان مدرن دانش‌آموزان ۶۸/۳۶ می‌باشد. بنابر این بین دو نسل مادران و دانش‌آموزان دختر در خصوص گفتمان مدرن، تفاوت معنی‌دار نمی‌باشد. تفسیر عبارت فوق این است که، بین نسل دانش‌آموزان دختر فردگرایی و استقلال و گریز از جمع‌گرایی و ارزش‌های سنتی و دینی، بیش‌تر از مادرانشان می‌باشد. پیداست که سمت و سوی حرکت هر دو نسل هماهنگ می‌باشد با این تفاوت که آهنگ این حرکت در نسل حاضر شتاب بیش‌تری دارد. می‌توان گفت آنچه که فصل مشترکی را برای تعامل بین دو نسل دانش‌آموزان دختر و مادران آن‌ها مهیا می‌سازد، حوزه ارزش‌های مدرن می‌باشد. توانمندسازی نسل گذشته در داشتن جامعه‌ای کم‌تنش راهگشا خواهد بود.

نسل‌های مختلف یک جامعه، از سرمایه‌های بنیادی آن محسوب می‌شوند که حافظ و ناقل ارزش‌ها و انگاره‌های نسل‌های پیشین خود هستند. اما پدیده‌هایی چون فردیت‌گرایی، مدرن‌گرایی، ذهنیت مقایسه‌گرا، عدم کاربست ابزارهای انتقال ارزشی کارآمد، رفتار فراغتی، لذت‌خواهی، استقلال‌طلبی و ناهم‌خوانی در میان جوانان از جمله واقعیت‌هایی هسته‌ای هستند که موجب پدید آمدن تفاوت در نگرش و تفسیر نسبت به ارزش‌ها در مقایسه با والدین شده‌اند.

فردگرایی رو به تزاید در نسل جدید سبب بوجود آمدن اخلاقیات و ارزش‌هایی می‌شود که تمام عرصه‌های زندگی، از جمله ملاک‌ها و معیارهای انتخاب را برای نسل جوان متمایز از نسل گذشته می‌نماید. تحت تأثیر این فردگرایی گروه مرجع در نسل جوان نیز دارای تفاوت‌هایی با نسل‌های قبل می‌شود.

به رغم تأثیرات تفاوت‌ساز و بالقوه تعارض برانگیز تحولات اجتماعی شدید بر روی فرهنگ و الگوهای زندگی نسل‌ها در جوامع معاصر با توسعه فرهنگ یادگیری فراگیر، تنوع‌پذیر و مشارکتی‌تر که دانش و معرفت جدید را با سنت‌های محوری در هر فرهنگ بهم پیوند بزند، شکاف و تعارضات نسلی جای خود را به تفاوت‌های طبیعی حداقل مثبت بین نسل‌ها خواهد داد. در موافقت نظری با اصول فرهنگ یادگیری و توسعه اجتماعی مبتنی به گفتگو و تعامل نسل‌ها، توصیه می‌شود که با فرض بافت فرهنگی متنوع دوران ما، بایستی بچه‌ها و نسل‌های نو را با توان انتقادی و چارچوب‌های مفهومی بارآورد که بتوان در دنیایی که ویژگی آن پلورالیسم فرهنگی غیرقابل‌گریز به عنوان یک چالش روزمره است، زندگی کنند. چرا که ارزش‌ها به نظام اجتماعی هویت بخشیده، بنیان نظام فرهنگی جامعه را تشکیل می‌دهند و معیار اساسی بایدها و نبایدهای جامعه می‌باشند؛ اگر ارزش‌ها، ثبات نسبی داشته باشند فرهنگ عمومی نیز ثبات نسبی خواهد داشت و اگر دچار آسیب و بحران شوند، فرهنگ عمومی به تبع آن آسیب‌پذیر

مقایسه نظام ارزشی حاکم بر دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه و مادران آنها در . . .

می‌شود، زیرا زمینه‌ساز ثبات یا بحران فرهنگی، به ویژه در بعد فرهنگ عمومی هستند. به طور کلی می‌توان گفت ارزش‌ها، مرکزیت، رجحان، اولویت، جنبه دستوری و بار عاطفی دارند؛ چنان‌که افراد حاضرند برای حفظ آن‌ها از جان و مال خود بگذرند.

روند تغییرات اجتماعی در جهان معاصر چنان عمق و سرعتی یافته که هم‌سازی نسل‌ها را با چالش جدی روبه‌رو نموده است. به طوری‌که ارزش‌های نسل پیشین که ضامن حفظ وضع موجودند، در حال تغییر می‌باشند. بحران ارزش‌ها بدون شک مهم‌ترین آسیب اجتماعی امروز جهان است که علائم آن‌را می‌توان در کلیه روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی به وضوح مشاهده کرد. از آنجا که مجموعه تغییرات جهانی شدن اقصی نقاط جهان را در نوردیده لذا همه جوانب زندگی در دنیای جدید کم و بیش از فرآیند جهانی شدن تأثیر می‌پذیرد. گرچه شدت این تغییرات در جهان کنونی یکسان نیست، اما هیچ منطقه‌ای به دور از تأثیرات و پیامدهای آن‌ها نمی‌باشد. جامعه جدید همواره در حال تغییر است و این تغییرات لزوم دگرگونی در سیاست‌گذاری‌ها و بهنگام‌سازی آن‌ها را خاطر نشان می‌کند، چرا که زمینه اجتماعی و فرهنگی در دوران جدید با سرعت بالایی تغییر می‌کند. از این رو لازم است تا سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی نیز نسبت به این تغییرات، انطباق‌پذیری لازم را داشته باشند. از سوی دیگر از هدایت این تغییرات نیز نباید غافل شد. مسئله اساسی این است که در کشاکش جهانی شدن و فشارهای بین‌المللی ناشی از آن، جوانان ما به سمت بحران هویت سوق پیدا نکنند. لذا باید سازوکارهای فرهنگی و علمی از طریق بالا بردن سرمایه اجتماعی به تقویت این هویت‌ها کمک کرد. بدین منظور با برنامه‌های درسی پنهان و آشکار مدرسه در جهت تقویت جمع‌گرایی و ارزش‌های دینی و سنتی و آموزش نسل مادران جهت توانمندسازی آنان در حوزه نظام ارزشی مشترک جهت تعامل و بوجود آمدن فصل مشترک بین دو نسل اقدام عملی شود. هم‌چنین با برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی راهبردی درباره‌ی وضعیت اقتصادی پیش روی جامعه ایران، از تبدیل تفاوت‌ها به تعارض پیشگیری گردد.

منابع

- احدی، اصغر. (۱۳۸۰). بررسی سلسله مراتب ارزش‌ها در نوجوانان ساکن شهرهای مرزی و غیرمرزی استان اردبیل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی محمد نریمانی. دانشگاه اردبیل.
- اسفندیار، آزاده، نوایخش، مهرداد؛ حقیقتیان، منصور. (۱۴۰۰). بررسی تفاوت‌های سه نسل انقلاب اسلامی نسبت به ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، مجله مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۲۰، شماره ۵۳؛ از صفحه ۹ تا صفحه ۳۱.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۷). نوسازی و پسانوسازی. ترجمه‌ی علی مرتضویان. تهران: فصلنامه ارغنون. شماره ۱۳. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه‌ی مریم وتر. تهران: نشر کویر.
- آزاد ارمکی، تقی و غلامرضا غفاری. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی نسلی در ایران، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، چاپ دوم.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۳). رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی، مسائل اجتماعی ایران. انجمن جامعه‌شناسی ایران. تهران: نشر آگه.
- آزادیان دلیسم، زینب. (۱۳۹۱). بررسی تفاوت‌های نسلی در نظام ارزش‌های اجتماعی (مطالعه موردی: شهر رشت). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه گیلان.
- توکل، محمد و قاضی‌نژاد، مریم. (۱۳۸۵). شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو. ماهنامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران. دوره ۲۷، شماره ۲۷، ص ۵۳-۷۵.
- جانعلیزاده چوببستی، حیدر و سلیمانی بشلی، محمد رضا. (۱۳۹۰). شکاف نسلی: توهم یا واقعیت؟ نشریه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان. دوره ۱، شماره ۱، ص ۲۵-۵۲.
- حسین خانی، هادی. (۱۳۸۵). نگاهی به تحولات دوران نوجوانی (جسمی، جنسی، شناختی و اخلاقی)، مجله معرفت شماره ۱۰۴.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). تغییر ارزش‌ها در آینه سینما و مطبوعات. نامه پژوهش. دوره ۴، شماره ۱۴ و ۱۵. از صفحه ۵ تا صفحه ۳۰.
- رهبر، عباسعلی؛ خرمشاد، محمدباقر؛ آدمی، علی و والی، علی. (۱۳۹۹). تبیین تفاوت نسلی در جامعه امروز ایران بر پایه‌ی ارزش‌های هویتی. مجله مطالعات ملی، سال ۲۱، شماره ۱ (پیاپی ۸۱).
- زارع شاه‌آبادی، اکبر و طاهر، مریم. (۱۳۹۲). مطالعه‌ی بین نسلی الگوی مصرف کالاهای فرهنگی در بین دختران و مادران شهر یزد. مجله مطالعات راهبردی زنان، سال شانزدهم، شماره ۶۱.
- شیخیانی، حسن. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر رسانه‌های دیداری و شنیداری در ایجاد شکاف نسلی (مورد پژوهش: خانواده‌های شهرستان بوشهر)، ارائه شده در همایش ملی آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی پدیده شکاف بین نسلی.
- صبوری خسروشاهی، حبیب. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر رسانه ملی در ایجاد شکاف نسلی. مطالعات رسانه ای، دوره هفتم، شماره ۱۹.
- عبدالله‌زاده، عادل. (۱۳۹۵). تأثیر برنامه غنی‌سازی ارتباط بر کاهش تعارضات والد-نوجوان. مجله پیشگیری و سلامت؛ دوره دوم، شماره ۳.
- فرامرزی، داوود. (۱۳۷۸). نظریه ساختار مدور ارزش‌های شوارتز. نامه پژوهش. دوره ۴، شماره ۱۵-۱۴. از صفحه ۱۰۷ تا صفحه ۱۲۹.

مقایسه نظام ارزشی حاکم بر دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه و مادران آنها در . . .

- قاضی‌نژاد، مریم. (۱۳۸۳). نسل‌ها و ارزش‌ها: بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی تفاوت‌گرایش‌ها
ارزشی نسل جوان و بزرگسال. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه
تهران.

- یعقوبی، علی. (۱۳۹۳). مطالعه کیفی تعارض ارزشی بین نهادهای اجتماعی خانه و مدرسه (مورد
مطالعه: دانش‌آموزان استان گیلان). فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی. دوره دوم، شماره ۱، ص
۳۱-۵۶.

- Moawad,G. (2016). The Relationship between use of Technology and Parent-Adolescents Social Relationship, Journal of Education and Practice, Vol.7, No.14.

- Musingafi,C. (2013). Impact of the Facebook on Parent-Child Relationship in the African Context,Information and Knoeladge management,Vol3,No 9.

- Nelissen,S. (2017). When digital natives instruct digital immigrants: active guidance of parental media use by children and conflict in the family, Information, Communication & Society ,Volume 21, - Issue 3

- Ruíz,K. (2017). Information and Communication Technologies Influence on Family Relationship, Global Journal of Health Science, Vol. 9, No. 6.

- Shah,R. (2016). Adolescent-parent conflict in the age of social media: Case reports from India, Asian Journal of Psychiatry,Volume 23, Pages 24-26.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی